



تعامل فرهنگ و محیط در دست‌بافته‌های بلوچ از گذار نظریه بوم‌شناسی فرهنگی

مرضیه رضایی^{۱*}، محمد افروغ^۲

^۱ مربی گروه آموزشی فرش، دانشکده هنر، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
^۲ دانشیار گروه فرش، دانشکده هنر، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

دریافت مقاله: ۱۴۰۳-۱۰-۱۲، پذیرش نهایی: ۱۴۰۳-۰۵-۱۱

چکیده

بوم‌شناسی فرهنگی رویکردی است که ملاحظات فرهنگی ارتباط انسان با محیط یا زیست‌بومش را مورد مطالعه، بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. بررسی و تحلیل دست‌بافته‌های بلوچ به‌عنوان بخش مهمی از فرهنگ و هنر قومی در چهارچوب رویکرد بوم‌شناسی فرهنگی و سنجش میزان ارتباط و بهره‌گیری آن‌ها از طبیعت و جغرافیای بلوچ، هدف این پژوهش است. از این‌رو پرسش اصلی این است که ارتباط و بازتاب زیست‌بوم و اکولوژی قوم بلوچ در فرآیند تولید دست‌بافته‌ها و آفرینش نقوش آن‌ها چگونه و به چه میزان است؟ مهم‌ترین نتایج این پژوهش چنین است: بوم‌شناسی فرهنگی نمایان‌گر این است که در کسب آگاهی و شناخت پدیده فرهنگ و داشته‌های فرهنگی انسان و ارزش‌های وابسته به آن به‌ویژه هنرهای بومی نیازمند توجه به زیست‌بوم و مطالعه در منظومه محیطی اوست. ابعاد مختلف زندگی قوم بلوچ و مشخصاً آثار هنری آن‌ها نظیر دست‌بافته‌ها، ابعاد فن‌شناختی (مصالح بافت، ریسندگی، رنگرزی، دار و ابزار بافت، ساختار بافندگی) و همچنین پویایی و خلاقیت در طراحی ذهنی، خیالی و انتزاعی مرتبط با جنبه‌های زیباشناختی و کیفیت‌های دیداری (بصری) در متن دست‌بافته‌ها، به‌واسطه نوع زندگی و همچنین حضور در پهنه طبیعت، همواره برساخته و متأثر از محیط و الگوبرداری از عناصر آن است. این پژوهش از نوع توسعه‌ای و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی

بوم‌شناسی، فرهنگ، زیست‌بوم، بلوچ، دست‌بافته

استناد: رضایی، مرضیه؛ افروغ، محمد (۱۴۰۳)، تعامل فرهنگ و محیط در دست‌بافته‌های بلوچ از گذار نظریه بوم‌شناسی فرهنگی، رهپویه هنرهای

تجسمی، ۷(۲)، ۹۱-۱۰۴. DOI: 10.22034/ra.2024.2017743.1426

*نویسنده مسئول: E-mail: M.rezaei@arts.usb.ac.ir



مقدمه

درک و فهم بهتر موارد یاد شده و جهت مطالعه دقیق تر، تمام مؤلفه‌های مرتبط با دست‌بافته‌ها و در راستای بوم‌شناسی فرهنگی شامل ابعاد فنی (مواد اولیه و ابزار)، کیفیت‌های دیداری، اهداف کاربردی و عملکردی، منابع انسانی (بافتندگان) و ساختار فرهنگی و اجتماعی بررسی و معرفی خواهند شد.

روش پژوهش

مقاله حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی، بنیادین و میان‌رشته‌ای و روش تحقیق، ترکیبی از نوع توصیفی-تحلیلی و مردم‌نگارانه است. هم‌چنین شیوه گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و جستجو در سایت‌های معتبر جهت یافتن تصاویر دست‌بافته‌های بلوچ (عدم یافتن دست‌بافته‌ها در بازار داخل) بوده است. با توجه به بومی بودن متغیرهای تحقیق، داده‌های پژوهش از طریق روش‌های مشاهده‌ای با رویکرد تحلیلی گردآوری شده است. در تصویر ۱، حوزه‌ها و بسترهای قابل بررسی و مرتبط با بوم‌شناسی فرهنگی دیده می‌شود.

پیشینه پژوهش

تعامل فرهنگ و طبیعت یکی از مقوله‌های مهم و مرتبط با دست‌بافته‌های اقوام است که در منظومه پژوهش‌های انجام یافته آن گونه که بایسته است، دیده نمی‌شود. لیک در ارتباط با موضوع حاضر و تأثیرات بوم (محیط زیست) و فرهنگ بر یکدیگر که در قالب نظریه بوم‌شناسی فرهنگی شناخته می‌شود، دو منبع نگارش یافته است. کفیلی و سامانیان (۱۳۹۲) در مقاله "بازشناسی سفال بومی ایران با رویکرد بوم‌شناسی فرهنگی" به مطالعه و بررسی هنر سفالگری از منظر نظریه بوم‌شناسی فرهنگی پرداخته‌اند. افروغ (۱۳۹۹) در مقاله «مطالعه دست‌بافته‌های ایلی و عشایری ایران با رویکرد بوم‌شناسی فرهنگی، با تأکید بر گلیم‌های عشایر بختیاری، قشقایی، شاسون و کرمانج» به بررسی و تحلیل این رویکرد در گلیم‌های برخی از عشایر ایران پرداخته است. شیرانی و ایزدی جیران (۱۳۹۸) در مقاله «پژوهشی بر دانش بومی سفال کلپورگان» از منظر مردم‌شناسی هنر به مطالعه نوع دانش بومی نهفته در سفال کلپورگان و اطلاعات و اصطلاحات مرتبط با آن پرداخته است.

بوم‌شناسی یا اکولوژی به‌واقع مطالعه روابط و پیوندهای متقابل میان موجود زنده و محیط طبیعی است و بوم‌شناسی فرهنگی وجه فرهنگی زندگی انسان را با زیست‌بوم وی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. فرهنگ بومی با ماهیت قومی و قبیله‌ای نظیر فرهنگ مردمان بلوچ، در ارتباط با باورها، مفاهیم، ارزش‌ها و شیوه‌های روزمره زندگی قابل معنی و تعریف است و در این میان، زیست‌بوم و ویژگی‌های محیطی همواره بر این جریان تأثیرگذار است و از این رهگذر بوم‌شناسی فرهنگی رویکردی است که به بررسی این رابطه و تأثیرگذاری آن و به‌طور دقیق‌تر به مطالعه پیوندهای میان انسان، فرهنگ و زیست‌بومش می‌پردازد. هنرهای بومی از برجسته‌ترین مؤلفه‌های هویتی و فرهنگی و از مهم‌ترین زمینه‌های مستعد و بالقوه جهت بررسی و تحلیل در نظریه بوم‌شناسی فرهنگی حوزه‌های میان‌رشته‌ای است. از این میان دست‌بافته‌های بلوچ، باز نمودی از این هنرها است که با برخورداری از دانش بومی در فرآیند آفرینش و با داشتن ارزش‌های زیباشناختی، معناشناختی و محتوای غنی مردم‌شناختی و نیز ابعاد فن‌شناختی کیفی و سبک خاص نقش‌پردازی، در این پژوهش مورد توجه و مطالعه قرار می‌گیرد. دست‌بافته‌های بلوچ بر ساخته و مُلهم از دو پدیده زیست‌بوم و فرهنگ هستند که هویت خویش را از این دو منبع می‌گیرند. در میان محرک‌ها و منابع الهام در نقش‌پردازی، طبیعت مهم‌ترین الگوی آشکار و نزدیک به بافنده در خلق نقوش است. محیط یا زیست‌بوم، نیروی موجود در پدیده‌ها و اشیاء است که از طریق آن به کمال می‌رسند. خلق نقوش در دست‌بافته‌های بلوچ، پیوسته از الگوهای طبیعی آغاز می‌شود و پس از گذشتن از مراحل پیچیده و غالباً ناشناخته انتزاعی و تجربی و تلخیص به سرانجام می‌رسد که تشخیص سرآغاز، دشوار و گاه ناممکن است. در کنار طبیعت، "باورها و قوه تخیل" هم به عنوان نظام‌های الگوساز فرهنگی و از طریق مؤلفه‌های خویش، نقش سازنده‌ای در تولید و شکل‌گیری ابعاد زیباشناختی (نقش و رنگ) این آثار ایفا می‌کند. در پژوهش حاضر، ارتباط محتوای تجسمی و دیداری (بصری) و تأثیرپذیری دست‌بافته‌های بلوچ از زیست‌بوم و مؤلفه‌های محیطی این قوم در قالب رویکرد بوم‌شناسی فرهنگی بررسی و تحلیل می‌گردد، لذا پژوهشی کاملاً تازه و بدیع است. از این رو، برای

ارزش‌های کیفی مرتبط با دست‌بافته‌های بلوچ





شخصیت درونی آن است، در خلق اثر اهمیت داشته است» (فکوهی، ۱۳۹۲: ۵۱). به‌واقع «طبیعت و محیط‌زیست عشایر و به‌تصویر کشیدن آن، خود بخشی از هنر بومی عشایر است. چه این که هنر بخشی از فرهنگ آن‌هاست. لیک برآیند فرهنگ و بوم‌زندگی (بوم‌شناسی فرهنگی) آن‌ها تجلی می‌یابد» (افروغ، ۱۳۹۸: ۱۷۱). بوم‌شناسی فرهنگی «دانشی است که جنبه‌های فرهنگی ارتباط انسان را با طبیعت پیرامون خود مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. تاریخ نمایان‌گر آن است که انسان‌ها همواره از محیط و منابع اطراف خود در جهت بقا، پیشرفت و شکل‌گیری فرهنگ و تمدن خود بهره برده‌اند و در این مسیر به تجربه و دانشی دست‌یافته‌اند که به جرأت می‌توان گفت بخشی از سرمایه ملی هر قوم است» (راسخی و قربانی، ۱۳۹۵: ۱۷). از این رهگذر دانش بومی در دست‌بافته‌های بلوچ، از جنبه‌های مهم در بوم‌شناسی فرهنگی (اکولوژی فرهنگی) است که «منقوش به نگاره‌های ذهنی و خلاقانه هستند. جایگاه خاصی در صنایع‌دستی دارند. کیفیت و کمیت آن بسته به فرهنگ بومی، باورها و اعتقادات، آرزوها و شرایط زندگی مردم در هر منطقه، منحصر به فرد است» (حاجیلو و امیرقاسمی، ۱۳۹۱: ۱۵۰). در کنار طبیعت و زیست‌بوم، فرهنگ شامل باورهای جمعی و فردی، آئین‌ها و اساطیر و هم‌چنین ذهن و تخیل بومی‌یافته، سهیم هستند.

ساختار فرهنگی و اجتماعی قوم بلوچ

قوم بلوچ، از قدیم‌ترین باشندگان مستقر در بخش شرقی و جنوب شرقی فلات ایران بوده است. «در میان اقوام ایرانی و آریایی، بلوچ کمتر از دیگران شناخته شده است. ویژگی‌های فرهنگی درهم تنیده که به آن ساختار متفاوتی بخشیده، شامل زبان، سلسله مراتب متفاوت اجتماعی و نظام طوایف، در کنار پراکندگی و وسعت جغرافیای فرهنگی قوم بلوچ از جمله دلایل ناشناخته ماندن این قوم در قیاس با دیگر اقوام ایرانی است تا آن‌جا که عنوان سفرنامه‌ارنست فلوریر در اواخر قرن نوزدهم، یعنی بلوچستان ناکاویده، هنوز هم برای یاد کردن از این سرزمین، اغراق‌آمیز به نظر نمی‌رسد» (شهرنازدار، ۱۴۰۰: ۲۵). زیست فرهنگی و اجتماعی بلوچ‌ها به‌واسطه تنوع حرفه‌ها، وسعت زیست‌بوم و پراکندگی جغرافیایی، متنوع و گونه‌گون است. آن‌ها علاوه بر خاستگاه قدیم خویش (فلات شرقی ایرانی)، در کشورهای افغانستان، ترکمنستان، پاکستان، کنیا، تانزانیا و زنگبار و کشورهای عمان و امارات، پراکنده‌اند. بلوچ‌ها «شاخه‌ای از نژاد آریایی هستند و رابطه‌ها و پیوندهای بسیار نیرومند نژادی با سایر ایرانیان جنوب شرقی و مرکزی ایران دارند» (سیدسجادی، ۱۳۷۴: ۵۵).

این قوم به‌واسطه اقلیم گرم و خشک و شرایط سخت زندگی، انسان‌هایی شکیبا، صبور، مهربان، مهمان‌نواز و دارای باورهای قوی فرهنگی و آیینی نظیر باور به زار و باد هستند. آن‌ها هم‌چنین جایگاه شیوخ را گرامی می‌دارند. هم‌چنین زبان بلوچی به دو گویش سرحدی و مکران تقسیم می‌شود. چه این که آن‌ها را مرجع تقلید خویش دانسته و مزارشان بارگاه و زیارتگاه به‌شمار می‌رود. زبان بلوچی به دو گویش سرحدی و مکران تقسیم می‌شود. در تصویر ۲ جنبه‌هایی از فرهنگ و هنر قوم بلوچ مشاهده می‌شود. «ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و قومی

در مقاله حاضر کوشش بر آن بوده تا دست‌بافته‌های بلوچ به‌عنوان مظهری از دانش بومی و مرتبط با فرهنگ و زیست‌بوم بلوچ (رویکرد بوم‌شناسی فرهنگی) مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

مبانی نظری

نظریه بوم‌شناسی فرهنگی

انسان در محدوده جغرافیای خویش، توانایی درک و آگاهی از فعالیت‌های زندگی در محدوده جغرافیای انسانی را دارد. از این رو نمونه‌های فرهنگ مادی موجود در زندگی وی، مصداق‌هایی از این فعالیت‌ها به‌شمار می‌رود. عناصری که بازتاب‌دهنده اندیشه‌ها، آمال و تخیلات از طریق عینیت بخشی است و پندارهای غیرمادی را به شیوه‌های مادی و در قالب آثاری عمدتاً از جنس هنر به‌ظهور می‌رساند. از این رو، آدمی همواره از آغاز آفرینش و در طول زندگی، جهت استمرار زندگی نیازمند دسترسی به مؤلفه‌های ضروری بوده که بخش اعظمی از آن‌ها در چهارچوب علم بوم‌شناسی (اکولوژی) تعریف می‌شود. «بوم‌شناسی فرهنگی به منظور حل مشکلاتی که امروزه دامنگیر عرصه‌های طبیعی و به تبع آن انسان‌ها است، به بررسی جنبه‌های مختلف فرهنگ و محیط‌زیست می‌پردازد، از جمله این که چرا و چگونه می‌توان از یک فرهنگ برای حل مشکلاتش بهره برد و یا این که در جوامع مختلف مردم چگونه محیط اطرافشان را درک می‌کنند و با آن ارتباط برقرار می‌کنند» (Sutton & Anderson, 2010: 399). در فرآیند بافت و آفرینش دست‌بافته‌های بلوچ، مؤلفه‌هایی دخیل است که مستعد و زمینه‌ساز مطالعه این آثار هنری بومی در چهارچوب نظریه بوم‌شناسی فرهنگی است.

این پژوهش در چهارچوب نظریه بوم‌شناسی فرهنگی یا نگرش بر پیوند فرهنگ و طبیعت، نگارش یافته است. این نظریه به‌واقع «براین اصل استوار است که دو مقوله «فرهنگ» و «محیط» مستقل و منفک از هم نیستند و نوعی رابطه تعاملی بین آن‌ها برقرار بوده و در حقیقت انسان قسمتی از منظومه طبیعت است» (Hardesty, 1977: 25). زیست بوم و موجود زنده (هنرمند بافنده) همواره با یکدیگر دارای رابطه‌ای تأثیرپذیر و تعامل‌گونه داشته‌اند که از آن به بوم‌شناسی فرهنگی می‌توان یاد کرد. «بوم‌شناسی، روابط دوسویه میان موجود زنده و محیط طبیعی است. این اصطلاح برخاسته از دو واژه یونانی ایکوس (موطن، زیست‌گاه) و لوزیا (لغت و آموزش) است که به‌معنای شناخت یا علم به چیزی است. علمی است که به مطالعه پیوندهای میان موجودات زنده و محیط‌زیست می‌پردازد» (جردن و روانتری، ۱۳۸۰: ۲۸). در واقع بوم‌شناسی دانشی است جهت بررسی و تحلیل مؤلفه‌های فرهنگی انسان با زیست‌بوم پیرامون وی. براین مبنا، می‌توان از منظر بوم‌شناسی فرهنگی تمام بازخوردهای فرهنگی حاصل از تعامل و ارتباط انسان با زیست‌بوم را مطالعه و بررسی نمود.

یکی از قواعد انکارناپذیر در ارتباط با هنرمند و خلق اثر هنری، تأثیرپذیری هنرمند از جامعه و زیست‌بوم خویش است. از این رهگذر هنرمندان بومی و قومی به‌ویژه بافندگان ایل و عشایری بلوچ «متکی بر جامعه خویش بوده و از جامعه‌ای [محیط‌زیست] که در آن زندگی می‌کنند، اثر پذیرفته‌اند. هرچند جنبه فردی اثر هنرمند نیز که وابسته به



بومی در جامعه و جغرافیای بلوچ، ضمن این که نمودی از دانش بومی و مهارت‌های فنی بانوان محلی بلوچ است، بر ساخته‌ای از هویت قومی، فرهنگی و هنری آن‌هاست. "طبیعت و محیط‌زیست" و "دانش بومی"، دو محمل و منبع مهم در تولید دست‌بافته‌های این قوم است. طبیعت و بوم عشایری و روستایی هم در تهیه مواد و مصالح بافت، هم در ساحت زیباشناختی و آراستن زمینه دست‌بافته‌ها در کنار قوه خیال و خلاقیت و باورهای فردی و جمعی و اسطوره‌ای از منابع الهام و تولید دست‌بافته‌ها به‌شمار می‌رود (تصویر ۳).

فرهنگ و زیست‌بوم دو عنصر اساسی در شکل‌گیری هویت بلوچ

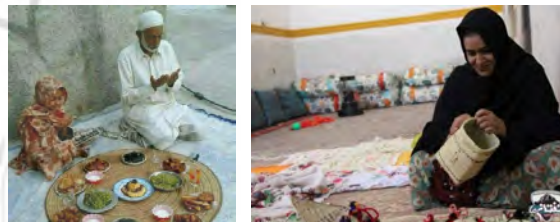
لانگ معتقد است: هر آن‌چه ما را اساطره کرده است، محیط خوانده می‌شود به عبارت دیگر، محیط مجموعه‌ای از واقعیات است که به صورت بالقوه با فرد در ارتباط قرار می‌گیرد (لانگ، ۱۹۸۷: ۷۳). محیط یا زیست‌بوم به همراه فرهنگ، دو مقوله اساسی در شکل‌گیری ساختار اجتماعی و نمونها و مؤلفه‌هایی از هویت یک جامعه به‌شمار می‌روند. ضرورت مطالعه، بررسی و برهم‌کنش این دو واژه و تأثیراتی که در شناخت جوامع و هویت آن‌ها داشته است، جغرافیای فرهنگی ظهور یافت. جغرافی‌دانان فرهنگی معتقدند جغرافیا و عوامل ر وابسته به آن هم چون آب‌وهوا، گیاهان، خاک و غیره «بر فرهنگ اثرگذار است و به تشریح الگوهای فرهنگی کمک می‌کند» (Pitzl, 2004: 43). برای تعیین هویت قومی و ملی یا فرهنگ بومی «تعیین محدوده و قلمرو یک قوم یا سرزمین مشخص ضرورت تام دارد» (باوردی و کریمیان، ۱۳۹۳: ۸۷). از این‌رو جغرافیا از عناصر اجتناب‌ناپذیر در فرهنگ و هویت یک قوم به‌شمار می‌رود. زیست‌بوم و جغرافیا دو ویژگی طبیعی و فرهنگی دارد. ویژگی طبیعی «ظرفیت‌ها و ذخایر مادی محیط طبیعی است مثل آب و هوا، منابع آب و خاک، گیاهان، کوه‌ها و مقصود از ویژگی فرهنگی مکان نیز خصیصه‌هایی است که متأثر از انسان و فعالیت‌های اوست» (رضوانی و احمدی، ۱۳۸۸: ۴۹). جغرافیا مفهومی است که «در چهارچوب آن، قومیت و ملیت هویت می‌یابد، القا و تقویت‌کننده کلیه علائق و همبستگی‌هایی است که انسان‌ها، نسبت به میهن خویش دارند و آموزش جغرافیا، القای دل بستن به زیستگاه و خانه و فرهنگ خویش است» (فرید، ۱۳۷۹: ۵۳۸). برای مبنا، جغرافیای زندگی بلوچ مهم‌ترین مؤلفه زیرساختی و عامل شناخت قوم بلوچ است که هم‌سو با مقوله فرهنگ، نقش‌سازنده‌ای در هویت بلوچ ایفا می‌کند.

فرهنگ شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها، عناصر شناختی، نمادین،

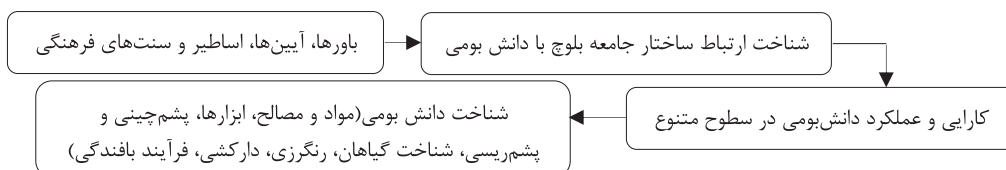
عشایری در هر منطقه تأثیر مستقیم و بی‌واسطه‌ای در شکل‌گیری بافته‌ها و نقش و نگاره‌های آن دارد. درحقیقت مهم‌ترین ویژگی و شاخص تصویری و زیباشناختی در دست‌بافته‌های بلوچ، سازگاری، همراهی و هم‌پوشانی عناصر فرهنگی و زیست‌بومی در قالب نقوش هندسی (تجربیدی و انتزاعی) است که به نحو احسن در زمینه آن‌ها نمودار است» (افروغ، ۱۴۰۱: ۱۸۹).

دانش بومی (پیوند طبیعت و فرهنگ) مرتبط با دست‌بافته‌های بلوچ

دانش بومی گنجینه‌ای ارزشمند از تجربیاتی است که طی آزمون و خطای چند هزارساله جامعه در ارتباط با محیط طبیعی، اقتصادی و اجتماعی به‌دست آمده که شامل باورها، ارزش‌ها، روش‌ها، ابزار و آگاهی‌های محلی آن‌ها از فرهنگ و محیط زندگی‌شان است. این دانش شفاهی که شاخه‌ای از علم مردم‌شناسی محسوب می‌شود (حاج‌علی محمدی، ۱۳۸۵: ۱۰۰)، عهده‌دار صیانت، معرفی و انتقال فرهنگ قومی و محلی است. این دانش «متعلق به افراد محلی می‌باشد و منبعی است که در سطح محلی مدیریت می‌شود» (Okereke, 2012: 302). اقوام بومی جهان برای ادامه حیات کاملاً به منابع محلی وابسته‌اند و برای فراهم کردن شرایط پایدار زندگی از منابع موجود در محیط‌زیست خود استفاده معقول می‌کنند. این روش مستلزم مهارت‌ها و آگاهی‌های خاص درباره محیط است (فرهادی، ۱۳۹۳: ۳). دانش بومی به‌واقع از ترکیب و هم‌جواری طبیعت و عناصر موجود در آن و فرهنگ و مظاهر آن شکل می‌گیرد. از این رهگذر، بافت دست‌بافته‌های بلوچ که مهم‌ترین هنر



تصویر ۲. گوشه‌هایی از زندگی و نظام فرهنگی و اجتماعی قوم بلوچ، منبع: (URL1).





در ساختار و قدرت نمادین دست‌بافته‌ها می‌باشد. بافندگان بلوچ از طبیعت و عناصر آن جهت تلطیف و آراستن دست‌بافته‌های خویش با هدف زیباساختن محیط‌زندگی خود استفاده می‌کنند. «این خصلت، زدن رنگ شادی و طرب به محیط‌زندگی از زُمره‌ی ویژگی‌ها و عوامل خلق‌کنندگی در بین عشایر است. آن‌ها در تزئین و آذین‌بندی آثار خویش از [طبیعت و] تمام عناصر دَم دستی و ابزارهای مورد کاربرد در امور روزمره گرفته تا اشکال و صورت‌های خیالی بدون هیچ قید و بندی بهره می‌برند» (ابراهیمی‌ناغانی، ۱۳۹۳: ۲۴). عاملیت طبیعت در متن بافته‌ها در قالب عناصر مختلف طبیعی (کوه، درخت، دشت، رودخانه، جانوران) و در قالیچه‌ها با عنصر شیر نمودار می‌شود. بافنده [بلوچ] با الهام از طبیعت، نبوغ و قوه خیال دست به آفرینش و نقش‌پردازی می‌زند و نقش‌مایه‌هایی

زندگی عشیره‌ای آن‌ها موجب شده تا ارتباط و تبادل فرهنگی با دیگر مناطق ایران وجود نداشته باشند و ویژگی‌های این هنر، بکر و دست‌نخورده باقی بماند. در واقع پویایی اجتماعی در عرصه‌ای کوچک از تعامل (کنش و واکنش)، امکانات و توانایی‌ها را محدود کرده و با تغییری بسیار کند و نوآوری‌های اندک مواجه است (شیرانی و هم‌کاران، ۱۳۹۷: ۷۳).

رابطه طبیعت (زیست‌بوم) با دست‌بافته‌ها

طبیعت به همراه مظاهر آن، از گذشته‌های دور همواره مهم‌ترین منبع تولید و الهام و الگوبرداری در طراحی و نقش‌پردازی دست‌بافته‌ها بوده است. طبیعت محیط و بستر زندگی جامعه بلوچ و بخش مهمی از مناسبات اجتماعی و فرهنگی آن‌ها و یکی از عاملیت‌های برجسته

دست‌بافته‌های بلوچ



تصویر ۵. انواع دست‌بافته‌های بلوچ از منظر کارکرد، هدف، فن‌بافت.



تصویر ۶. انواع دست‌بافته‌های بلوچ به ترتیب: جل اسب، نمکدان، خورجین، قالیچه. منبع: (URL1,2,3,4,5)



فردی، مهم‌ترین منبع الهام و الگوبرداری بافته بلوچ در فرآیند نقش‌پردازی انواع دست‌بافته‌ها و یک محرک برجسته در هویت‌سازی هنری این قوم می‌باشد. طبیعت در نظر بافندگان بلوچ براساس باور و نگرش آن‌ها نسبت به جهان و هنر معنی و بازتاب می‌یابد. از آن جایی که زندگی بافندگان بلوچ با طبیعت آغاز و پایان می‌پذیرد، از این رو «مکنونات قلبی آن‌ها آغشته از تأثیرات طبیعی بکر و دست‌نخورده اطرافشان» (علوی، ۱۳۸۹: ۸۵)، در دست‌بافته‌ها بازتاب یافته و هم‌چون سنتی اصیل و پایدار در میان ایشان استمرار می‌یابد. بنابراین «نقش‌های دست‌بافته‌ها از طبیعت الهام می‌گیرد» (پیشین). هم‌زیستی بلوچ با طبیعت و تأثیر آن بر زندگی‌شان باعث شده تا نقوش و طرح‌های بافته شده در متن دست‌بافته‌ها مُلهم از طبیعت باشد، بنابراین زمینه آن‌ها پُر از نقوش جانوری (حیوانی، پرندگان)، گیاهی، انسانی و نجوم است که نشان از وفاداری محض به طبیعت با زبان دیداری و تجسمی است. در تصویر ۷، رابطه طبیعت و زیست‌بوم بلوچ و عناصر آن (حیوانات و پرندگان، درختان) با دست‌بافته‌های آن‌ها دیده می‌شود.

باورها و تخیل: محرک‌های آفرینش نقش‌ها

علاوه بر طبیعت، «باورها» و «قوة تخیل» از دیگر عوامل مؤثر و الهام در نقش‌پردازی دست‌بافته‌های بلوچ است. از دیگر منابع الهام در هنر قومی بلوچ «اعتقادات و باورهای آن قوم می‌باشد که می‌توان آن‌ها را از میان قصه‌ها، افسانه‌ها و اسطوره‌های قومی بیرون کشید. تمام این‌ها یادگاری از پیشینه فرهنگی، اعتقادات آیینی و باورهای نخستین است» (دادور و دیگران، ۱۳۸۵، ۴۸). انگیزه این قوم از خلق آثار هنری در قالب محصولات کاربردی، غیر از رفع نیازهای اولیه، تلاش برای انعکاس باورها و آرزوهایی است که در ارتباط با دنیای واقعی شکل گرفته است (کشاورز، جوادی، ۱۳۹۵: ۱۷). باورها به‌عنوان مجموعه‌ای از رفتارهای آیینی و دست‌بافته‌ها به‌عنوان بخشی میراث هنری و بومی بلوچ «همواره رابطه‌ای دو سویه با یکدیگر داشته‌است. از این رو که باورها و عقاید یکی از مهم‌ترین محرک‌های آفرینش نقش و نگاره‌هاست که در گذشته حضوری برجسته در زمینه این بافته‌ها داشته و متقابلاً دست‌بافته‌ها مناسب‌ترین محمل برای بروز و عینی‌سازی باورهای بافندگان بوده‌است» (افروغ، ۱۳۹۹: ۷۳). در تصویر ۸، مظاهری از عقاید و

انتزاعی، شکسته و شاخه شکسته را در متن دست‌بافته‌ها می‌آفریند و این مهم است که برداشت و الهام از طبیعت، با خلاقیت و نبوغ همراه باشد (افروغ، ۱۴۰۱: ۱۵۹).

استفاده از رنگ‌های طبیعی، زیبایی نقش‌های انتزاعی و تجریدی در دست‌بافته‌های [بلوچ] بیان‌گر تأثیر طبیعت زیبا و فراخزای آن در روحیه [قوم بلوچ] است. تأثیر این عوامل در روحیه بافته بسیار بوده به گونه‌ای که بازتاب آن‌ها در نقش‌مایه‌های گوناگون دست‌بافته‌ها، باز می‌نمایاند (صدری، ۱۳۸۴: ۳۳). در دست‌بافته‌های بلوچ «طبیعت همواره بر فرهنگ، هنر و آداب و رسوم تأثیرگذار بوده‌است، چنان‌چه در [بلوچستان] استفاده از شکل‌ها و نقوش زاویه‌دار در تزئین [دست‌بافته‌ها]، نشان از تأثیرات اقلیم و فرهنگ منطقه‌ای بر هنر است» (کفیلی و سامانیان، ۱۳۹۲: ۱۱۳).

نقش‌ها و طرح‌های مُلهم از طبیعت و زندگی روزمره، علاوه بر کارکردهای تزئینی، دارای ارزش‌های مفهومی و نمادینی هستند که ممکن است در نگاه نخست برای بیننده ناآشنا، تهی از رمز و پیام باشد، لیک برای دوست‌داران و پژوهش‌گران این هنر، سرشار از یادها، باورها و ذهن‌پویای هنرمندان تجربی و خودانگیخته‌ای باشد که در خود، قدمت تاریخ و فرهنگ قومی را پنهان دارد. انسان در نگاه هنر و هنرمند سنتی همواره به طبیعت، به‌عنوان موهبت مسلم خدا بر انسان، احترام می‌نهد و آن‌ها را گران‌مایه و عزیز می‌شمارد (کوماراسوامی، ۱۳۸۴: ۱۶). به راستی «تصاویری که از محیط [طبیعت] در ذهن ناظر [بافته] به وجود می‌آید، حاصل جریانی دوجانبه بین ناظر [بافته] و محیط اوست. [بافته] پاره‌ای عوامل بصری محیط را انتخاب می‌کند، آن‌ها را در ذهن خود به‌نظام می‌آورد و به آن معنی می‌دهد» (لینچ، ۱۳۷۴: ۱۶). بافته بلوچ «هر آن‌چه را که در طبیعت و زندگی روزمره خویش می‌بیند، به‌عنوان وسیله‌ای برای بیان احساسات، ذوق و ارضای روح سرشار از زیبایی خویش، بر پهنه دست‌بافته‌های خویش می‌بافد. نقش‌مایه‌ها و نگاره‌های دست‌بافته‌ها، فرهنگ عشایری را بازمی‌تاباند و ارتباط بی‌واسطه زندگی ایلی را با طبیعت و جهان ماورا می‌نمایاند. در چنین فرهنگی، نقش‌مایه‌ها بیش از آن‌که جنبه تزئینی داشته باشد، هویت‌نمادین پیدا می‌کند» (همايون پور، ۱۳۸۳: ۴۱).

طبیعت و عناصر آن، در کنار قوه ذهن و ذوق و باورهای جمعی و



تصویر ۷. بازتاب طبیعت و عناصر آن در دست‌بافته‌های بلوچ. منبع: (URL6,7,8,9,10)



مواد اولیه بومی و فنون بافت مؤلفه‌های فنی مؤثر در دست‌بافته‌ها

در منظومه بوم‌شناسی فرهنگی، مواد و مصالح ساخت و تولید محصولات و فرآورده‌های بومی هم‌چون دست‌بافته‌ها، از عوامل مؤثر و مرتبط با اکوسیستم و فرهنگ مردم بلوچ است که از الگوهای فرهنگی و زندگی اجتماعی آن‌ها مُلهم است و هم‌چنین بر جغرافیای زندگی تأثیرگذار است. چه این که بلوچ‌ها به‌واسطه حضور و ارتباط مستقیم با بوم زندگی خویش، وابسته به آن بوده و در تولید هر محصولی از عناصر موجود در آن استفاده می‌کند. پشم عمده‌ترین مصالح مورد نیاز در فرآیند بافت و در پیوند نزدیک با طبیعت است. «عشایر دامدار بلوچ پرورش دهنده یکی از بهترین نژادهای گوسفندان پشمی بنام نژاد بلوچی هستند که پشم این گوسفندان از مناسب‌ترین الیاف پشم برای بافت فرش‌هایی با بافت متوسط و درشت است» (صو اسرافیل، ۱۳۸۳: ۱۵۴). در کنار مواد اولیه، فن بافت نیز از عوامل ضروری در بافت دست‌بافته‌ها به‌شمار می‌رود. آفرینش هر نقشی، تابع فن (تکنیک) و ساختار بافت است. فنون بافت در دست‌بافته‌های بلوچ محدود است (جدول ۱).

ذکر این نکته ضروری است که نقش‌پردازی تابع فن بافت است. در زیر به معرفی و اهمیت فنون بافت پرداخته می‌شود. به‌کارگیری دانش بومی برای حل مشکلات علمی توسط انسان ممکن است در هر ناحیه‌ای به

باورهای بانفته که در دست‌بافته او صورتی عینی یافته است، نمودار است. قوه تخیل نیز برساخته از تراوش ذهن پویا و خلاق بانندگان است که عامل آفرینش انواع نقوش واقعی و خیالی می‌باشد. بانفته بلوچ هنگام نقش‌پردازی حاضر به تقلید از نقش و نگار پیشین خود نیست، اگرچه شبیه به آن‌ها می‌آفریند. لذا روند سنتی ذهنی بافی و انتخاب رنگ در حین آن به‌گونه‌ای است که اجازه تقلید را از بانفته گرفته و به‌جای آن فرصت ذوق‌آزمایی و تخیل‌پردازی دوباره و آفرینش نقوش بدیع‌تری را پیش می‌گذارد که دست‌آورد آن فرآورده‌ای منحصر به فرد است که محصول تمنیات فردی، بومی و انسانی است. تولید دست‌بافته‌ها در جوامع سنتی که منجر به عینی کردن باورهای جمعی، قوه خیال و اندیشه‌های فردی بانفته و جهان پیرامون، برخوردار از دانش بومی است. در دست‌بافته‌های قدیمی بلوچ، نقوش پیچیده، ناآشنا و غریب و اغراق‌آمیز دیده می‌شود که ماحصل قوه تخیل و ذوق بانفته است. در تصویر ۹، نمونه‌هایی از این نقوش دیده می‌شود.

مؤلفه‌های فنی مؤثر در دست‌بافته‌ها

مؤلفه‌های فنی بخشی از دانش بومی است که سهم قابل توجهی در ساخت نموده‌های فرهنگی و هنری هم‌چون دست‌بافته‌ها دارد. این مؤلفه‌ها که زیرساخت‌های آفرینش به‌شمار می‌آیند، شامل مواردی است که در تصویر ۱ نشان داده شده است. هر کدام از این مؤلفه‌ها سوبه‌ای از دانش بومی مرتبط با فرآیند تولید دست‌بافته‌ها است.



تصویر ۸. درخت زندگی (مقدس) در اشکال متنوع به همراه پرندۀ بر روی آن (نمودی از روح)، بخشی از باور بانندگان بلوچ و مسلمان. منبع: (URL11,12,13)

جدول ۱. مؤلفه‌های فن‌شناختی مرتبط با دست‌بافته‌های بلوچ.

انواع دست‌بافته‌ها	فنون (تکنیک) بافت	نوع دار و ابزار بافت	ریسندگی و تهیه خامه	نوع رنگرزی و انواع رنگرها
قالی، قالیچه، جل اسب، گلیم، نمکدان، خورجین	گره‌بافی، تخت‌بافی، چاک‌دار، پیچ‌بافی	داراقتی، قیچی، کارد بافت، شانه	هم به‌صورت آماده و هم توسط بافنده به‌صورت دست‌ریس	در گذشته رنگرزی سنتی با رنگرهای بومی توسط بافنده

خلق و دیگرانی آن‌ها را به کار می‌برند. بافنده محلی به‌واسطه حضور در محیط و مواجهه با نیازهای جمعی، با فهم شرایط حاضر اقدام به تولید محصولاتی می‌کند که دقیقاً برآورده‌کننده نیازهای اجتماع و مردمی است که با آن‌ها پیوندهای قومی و قبیله‌ای دارد. نخستین دست‌بافته‌های عشایری در قالب زیراندازها و پس از آن انواع کیسه‌ای نظیر نمکدان، جوال و خورجین جهت تأمین نیازهای متنوع مردمان عشایر بافته و مورد استفاده قرار گرفت. این بافته‌ها به همراه سایر ویژگی‌های فنی در جدول ۱، مشاهده می‌شود. در حال حاضر در هر منطقه‌ای با توجه به نوع بافت فرهنگی و اجتماعی آن جغرافیا هم‌چون بلوچستان، دست‌بافته‌هایی از مصالح هماهنگ با زیست‌بوم و بر ساخته از عناصر طبیعت به دلیل ارتباط نزدیک اهداف عملکردی و کاربردی با کیفیت‌های فنی و زیباشناختی وجود دارد.

منابع انسانی تولید (هنرمندان بافنده)

مردان و زنان بافنده بلوچی که در رویکرد بوم‌شناسی فرهنگی از آن‌ها به منبع انسانی یاد می‌شود، در روند تولید و به‌عنوان مهم‌ترین عنصر از زنجیره تولید، نقشی اساسی و مکمل داشته‌اند. فعالیت‌های آن‌ها در فرآیند تولید در دو بخش دیده می‌شود: مردان که در مراحل پیش تولید و اولیه وظیفه پشم‌چینی و رنگرزی و تهیه مواد و مصالح و ابزار بافندگی را دارند و زنان بافنده که شستن، ریسیدن، رنگرزی (به همراه مردان) و مهم‌تر از

علت گوناگونی اقلیمی، جغرافیائی، فرهنگی و دیگر عوامل مؤثر بر محیط زندگی، متفاوت باشد (بخشایش‌اردستانی، ۱۳۸۲). علم‌انسان‌شناسی، انسان را موجودی ابزارساز تعریف کرده‌است. در طول تاریخ، انسان‌ها با بهره‌گیری از طبیعت یاد گرفته‌اند ابزارهای کارآمدتری را طراحی کنند و در هر مرحله جنبه‌های مختلف فرهنگ را نیز تکامل بخشیده‌اند. در دست‌بافته‌ها، مؤلفه‌های فنی شامل شیوه‌ها یا فنون بافت، رنگرزی و رنگرها و نقش‌پردازی و ابزار کار جهت پرداخت می‌باشد که توسط زنان هنرمند اجرا می‌شود. این فرآیند پیوندی بین بافنده و زیست‌بوم وی و منطبق بر توان‌مندی‌های محیطی است.

اهداف کاربردی و عملکردی مواد اولیه بومی و فنون بافت مؤلفه‌های فنی مؤثر در دست‌بافته‌ها

یکی از مؤلفه‌های قابل رصد در بوم‌شناسی فرهنگی، اهداف کاربردی و عملکردی است که در محیط‌های عشایری نظیر زیست‌بوم بلوچ و در ارتباط با دست‌بافته‌ها نمایان است. این اهداف در میان تولیدکنندگان (بافندگان) و مصرف‌کنندگان انواع هنرهای بومی و کاربردی قابل تفکیک نیستند و این یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این گونه از جوامع می‌باشد. روند تولیدات بومی به‌ویژه در هنر، مشمول شیوه‌های خاص تولید و دریافت هستند. به‌واقع در رابطه‌ای دو سویه و منطبق بر نیازهای کاربردی بومی و محلی، یکی یا مجموعه‌ای آن‌ها را





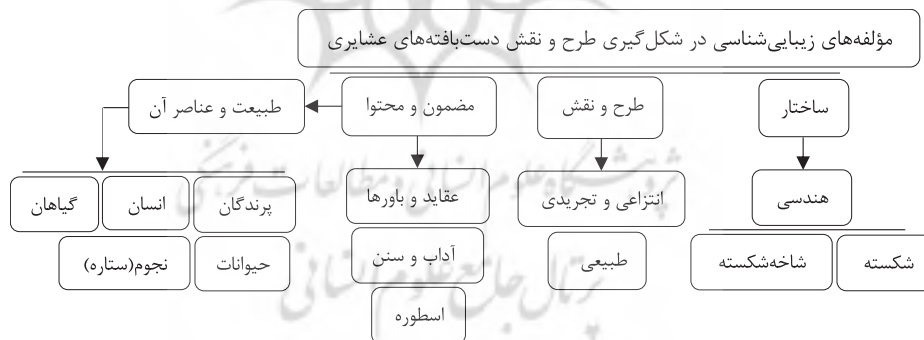
پدیده بافندگی که ماحصل ترکیبی از این فعالیت‌هاست، نمودی از چنین ویژگی‌های انسانی و ماهیت فرهنگی و محیطی است.

کیفیت‌های دیداری، مؤلفه‌های زیباشناختی و انواع نقش‌مایه‌ها در دست‌بافته‌های بلوچ

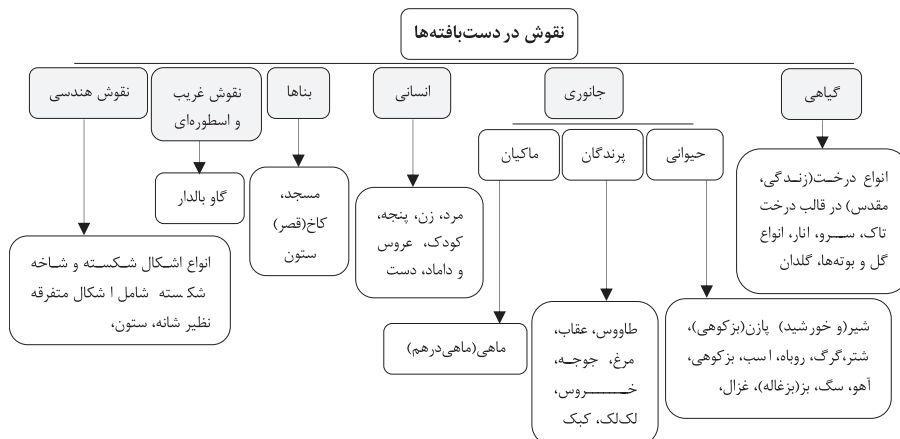
دست‌بافته‌های بلوچ دارای انواع نقش و نگاره‌های متنوع است که «ریشه در اعماق ارزش‌های فرهنگی، ملی و آئینی کشورمان دارد. به همین گمان است که اندیشه ورزان جهان‌شناسی و جامعه‌شناسی، شایسته‌ترین راه شناخت یک فرهنگ و یک تبار را بررسی باورها، آداب و رسوم و هنرنمایی‌های آنان می‌دانند. چرا که تاریخ یک قومیت را می‌شود از دل همین، هنرورزی‌های خواسته یا ناخواسته بازشناخت» (حسین‌آبادی و فلاح‌منده، ۱۳۹۰: ۶۰). مطالعه و بررسی نقوش دست‌بافته‌های بلوچی از منظر تجسمی با محوریت تحلیل کیفیات دیداری (بصری) هم‌چون ترکیب‌بندی، تقارن و تعادل، تناسب، هماهنگی و ریتم انجام می‌گیرد که نیروهای دیداری موجود در زمینه یک بافته را صورت و ساختار می‌بخشد. انواع دست‌بافته‌های بلوچ با فنون بافت متنوع و شیوه نقش‌پردازی ذهنی تولید می‌شوند. آثاری با کاربری‌های مختلف و نقوش متنوع که سبب آن، تنوع و ضرورت کاربرد، شیوه‌های بافندگی از منظر فن بافت، تخیل، ذوق و سلیقه بافنده است. تمامی عناصر و کیفیات دیداری رایج و مورد مطالعه در منظومه مبانی هنرهای تجسمی، البته به‌صورت تجربی و خودآموخته در آثار هنرهای بومی و خاصه دست‌بافته‌های بلوچ دیده می‌شود که در طی قرن‌ها و دهه‌ها نسل به نسل هم به‌صورت

آن‌ها، عمل بافتن و نقش‌پردازی را عهده‌دار هستند. در رویکرد یاد شده و در نظام انسان‌شناسی، فعالیتی هم‌چون تولید دست‌بافته‌ها، رفتاری انسانی و توأمان فرهنگی و محیطی به‌شمار می‌رود که هم‌زمان توسط مردان و زنان بلوچ به‌ویژه در گذشته که شیوه‌های تولید دست‌بافته‌ها به‌شیوه سنتی و ابتدایی‌تر بود، صورت می‌پذیرفت. البته ذکر این نکته ضروری است که در منابع انسانی و در روند طولانی تولید (بخش فن‌شناختی و زیباشناختی)، طبعاً زنان سهم بیش‌تر و نقش برجسته‌تری داشته و دارند. چه این‌که دست‌بافته‌ها و نقوش آن‌ها، بازنمایی نگرش و بینش فرهنگی و هنری بافندگان بلوچی بوده‌است.

بهره‌گیری از عناصر طبیعت و زیست‌بوم زندگی بلوچ و بازتاب آن‌ها در متن دست‌بافته‌ها به‌عنوان جنبه هنری، زیباشناختی و معناشناختی مهم‌ترین گام در پیوند دادن «بوم و فرهنگ» است. بافنده بلوچ در روند نقش‌پردازی، طبیعت خشن و وحشی را تبدیل به فرهنگ می‌کند و از این طریق رابطه‌ای تنگاتنگ بین محیط و هنر خویش برقرار می‌کند. فکوهی معتقد است: زندگی بومی در بی‌دستی‌یابی به بالاترین سطح هم‌سازی با طبیعت پیرامون خود است. رابطه انسان با محیط اطراف از مهم‌ترین روابط تأثیرگذار بر چگونگی سیر تکوین و تحول زیستی و فرهنگی بشر است. ما برای شناخت بهتر انسان ناچار از در نظر گرفتن آن در کلیت انسانی‌اش که بخش مهمی از آن در رابطه با محیط شکل گرفته است، هستیم (فکوهی، ۱۳۸۵). در نظام انسان‌شناسی، برخی از فعالیت‌ها، ویژگی‌ها و رفتارهای انسان، توأمان فرهنگی، محیطی و ژنتیکی هستند و



تصویر ۱۰. مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی در دست‌بافته‌های بلوچ.



تصویر ۱۱. طبقه‌بندی نقوش دست‌بافته‌های بلوچ

جدول ۲. نقوش جانوری (حیوانات و پرندگان) در دست‌بافته‌های بلوچ.



جدول ۳. نقوش انسانی در دست‌بافته‌های بلوچ.



جدول ۴. نقوش گیاهی و نباتی در دست‌بافته‌های بلوچ.



طرح و نقش، مضمون و محتوا و طبیعت و عناصر آن است که به همراه زیرمجموعه‌های آن‌ها در تصویر ۱۰، مشاهده می‌شود. نقوش در این بافته‌ها هم‌چون دیگر دست‌بافته‌های عشایری، با

آموزش و هم‌آفرینش ذهنی همراه با حضور باورهای عینی‌شده، انتقال می‌یابد. در کنار این کیفیات، مؤلفه‌های زیباشناختی نیز سهم برجسته‌ای در ارزش‌گذاری هنری دست‌بافته‌ها، دارند. این مؤلفه‌ها شامل ساختار،

جدول ۳: نقوش معماری و عناصر آن در دست‌یافته‌های بلوچ (منبع: پژوهش گران)

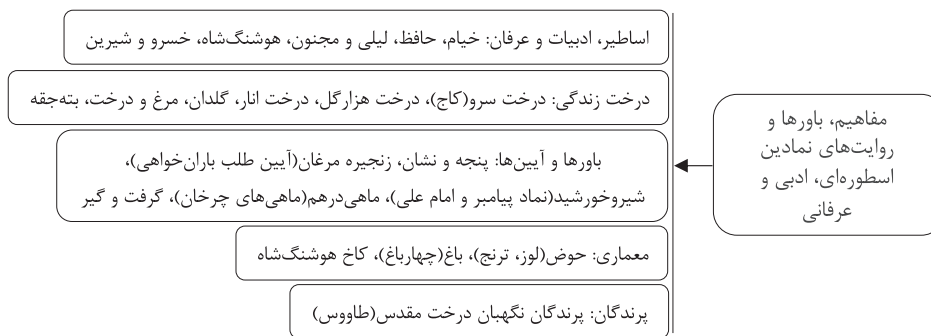


جدول ۴: نقوش متفرقه (نجوم، گوشواره، صلیب، اشکال غریب...) (منبع: پژوهش گران)



جدول ۵: مفاهیم، باورها و روایت‌های نمادین اسطوره‌ای، ادبی و عرفانی.





تصویر ۱۲. مفاهیم و باورهای اسطوره‌ای، آیینی و عرفانی.

وی با محیط و زیست‌بوم مورد توجه قرار گیرد و همواره بین این دو حوزه، تعامل و مراودات متقابل و پیچیده‌ای وجود دارد. محیط زندگی، پدیده‌های جدا از انسان نیست. به‌واقع برای شناخت ابعاد زندگی وی، هم رابطه انسان با محیط و هم چگونگی سازوکار این ارتباط، فعالیت‌ها و توانمندی‌های وی چه در بُعد کالبدی و چه از نظر ذهنی، می‌بایست با محیط مطالعه و بررسی شود.

براین اساس، پیوند و سازگاری‌های فرهنگی ظهور یافته توأمان هم به خصوصیات اجتماعی و فرهنگی و هم به محیط و اکولوژی بستگی دارد و همواره انسان با محیط زندگی خویش در تعامل است. از این رهگذر در مطالعه و تحلیل دست‌بافته‌های بلوچ، ماهیت ساختار و متن آن‌ها، این ارتباط متقابل و اجتناب‌ناپذیر، روشن و مبرهن است. در دست‌بافته‌های بلوچ، زیست‌بوم و عناصر موجود در آن هم‌چون عناصر گیاهی و نباتی (درختان و انواع گل و بوته‌ها)، جانوران (حیوانات و پرندگان)، رودها و کوه‌ها و برخی رفتارهای زندگی روزمره‌ی عشایری و قومی، در بخشی از فرهنگ یعنی هنر بومی این قوم بازتاب یافته است و این نشان از رابطه تنگاتنگ و پیوند محیط با انسان و فرهنگ اوست. هم‌چنین در بُعد فن‌شناختی نیز این ارتباط بسیار برجسته است و مواد و مصالح تولید نیز به‌گونه‌های مختلف برگرفته از زیست‌بوم بلوچ است. دست‌بافته‌های بلوچ که بر مبنای نیاز محیط بومی بافته و تولید می‌شوند، دارای اشکال، ابعاد و نقوش متفاوت و متنوعی هستند که براساس نیاز و کاربرد و با الهام از طبیعت و تعامل با زیست‌بوم و به مدد ذوق و احساس، تخیل، عقاید و باورهای فردی و جمعی بافندگان بافته می‌شوند. ضمن این‌که در ریشه‌یابی ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها و تفاوت‌های موجود در فرایند تولید و نیز ساختارهای فنی و محتوای زیباشناختی، باید بافت و بسترهای فرهنگی قوم و جغرافیای بلوچ را بررسی و مطالعه نمود.

پی‌نوشت‌ها

۱. کتاب "بلوچستان ناکاویده"، اثر ارنست ایسکو فلویور، ترجمه سپهر صدیقی‌نژاد، تهران، آبی پرسی
۲. جانورانی غیرانسانی که به درون انسان وارد شده و سبب بیمار شدن و سبب آثار او گشته که برای رهایی از وجود این موجود خبیث و به دست آمدن سلامتی می‌بایستی بابا یا مامای زار را مورد التماس قرار داد.

فهرست منابع فارسی

افروغ، محمد (۱۳۹۸)، مطالعه دست‌بافته‌های ایل و عشایری ایران با

سبک شکسته و شاخه‌شکسته (نیمه منحنی) به‌صورت انتزاعی و تجریدی نقش‌پردازی شده‌است که به چند دسته شامل نقوش گیاهی، جانوری (حیوانی، پرندگان)، انسانی، نقوش غریب و هندسی و مهم‌تر از آن نقوشی از جهان معماری نظیر نقش‌مایه‌های مربوط به بناهای مذهبی (مسجد) و یا برج‌ها، طبقه‌بندی می‌شوند (تصویر ۱۱). علاوه بر نقوش منفرد، بسیاری از باورها، مفاهیم، شخصیت‌ها و روایت‌های نمادین اسطوره‌ای، ادبی و عرفانی نیز در قالب نقوش در متن دست‌بافته‌ها به‌ویژه قالبی‌ها، نقش‌پردازی شده‌است (تصویر). این نقوش همان‌گونه که پیش‌تر یادآوری شد، برگرفته از مؤلفه‌های مختلفی هم‌چون زیست‌بوم و عناصر موجود آن، عقاید و باورهای فردی و جمعی، قوه تخیل بافنده و غیره می‌باشد که در انواع فرم‌های متنوع و منحصر به فرد و رنگ‌های نسبتاً گرم و پرمایه نقش‌پردازی شده‌است. در جداول ۲، ۳، ۴، ۵ و نمونه‌هایی از انواع نقوش جهت آگاهی و عرضه بر مخاطب نشان داده شده‌است.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، ارتباط بین دست‌بافته‌ها به‌عنوان بخشی از فرهنگ بومی و قومی بلوچ با زیست‌بوم آن‌ها بر مبنای رویکرد بوم‌شناسی فرهنگی و مؤلفه‌های مؤثر و سازنده در ساختار و شکل‌گیری آن هم‌چون ساختار فرهنگی و اجتماعی قوم بلوچ، فرهنگ و زیست‌بوم دو عنصر اساسی در شکل‌گیری هویت بلوچ، رابطه طبیعت با دست‌بافته‌ها، اهداف کاربردی و عملکردی مواد اولیه بومی و مؤلفه‌های فنی مؤثر در دست‌بافته‌ها، منابع انسانی تولید (هنرمندان بافنده) و کیفیت‌های دیداری، مؤلفه‌های زیباشناختی و انواع نقش‌مایه‌ها در دست‌بافته‌های بلوچ، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. بوم‌شناسی فرهنگی در دست‌بافته‌های عشایری و به‌طور خاص قوم بلوچ، رخدادی است که بر تعامل و ارتباطی دو سویه تأکید دارد. زیست‌بوم و عناصر طبیعت در روند بافتن نقش‌آفرینی در متن دست‌بافته‌ها، به نمادها و بخشی از مؤلفه‌های فرهنگی و هنری تبدیل می‌شوند و از دیگر سو، دست‌بافته‌ها به‌عنوان آثار و محصولات فرهنگ قومی بخش مهمی از ماهیت خویش (نقش و نگاره‌ها) را از محیط زیست خویش می‌گیرند. این رویکرد به این امر توجه دارد که هر گونه مطالعه درباره ابعاد مختلف زندگی انسان و میزان ارتباط فرهنگ و محیط، به‌ویژه در حوزه فرهنگی و مردم‌شناسی می‌بایستی در ارتباط با موجود زنده به‌ویژه مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. ضرورتاً برای آگاه شدن و شناخت جنبه‌های مختلف زندگی انسان، ویژگی‌های انسانی و ارتباط

فهرست منابع لاتین

Hardesty, Donald. L. (1997). *Ecological Anthropology*, USA, John Wiley & Sons; First Edition.

Okereke, E. (2012). Indigenous knowledge system, The need for reform and the way forward global advanced reaserch, *journal of Agricultural science* 1(8), 201-09. https://www.researchgate.net/publication/334544436_Indigenous_Knowledge_System_The_Need_for_Reform_and_the_Way_Forward

Sutton, M.Q. and E.N. Anderson. (2010). *Introduction to Cultural Ecology*, United Kingdom: Published by AltaMira Press. Second Edition.

فهرست منابع الکترونیکی

URL1: <https://www.brianmacdonaldantiquerugs.co.uk/270187/antique-saddle-bagface-timuri-tribes-western-afghanistan/>

URL2: http://www.turkotek.com/misc_00096/birdbags.htm

URL3: <https://www.pinterest.com/pin/142356038207948004/>

URL4: <https://www.naintrading.co.uk/oriental-carpets/baluch-146x92-p-139399.html#gallery-1>

URL5: <https://www.naintrading.co.uk/oriental-carpets/baluch-210x107-p-140707.html#gallery-1>

URL6: <https://www.naintrading.co.nz/oriental-carpets/baluch-135x92-p-147968.html>

URL7: <https://www.naintrading.co.nz/oriental-carpets/baluch-146x92-p-139399.html>

URL8: <https://www.naintrading.co.nz/oriental-carpets/baluch-130x80-p-197753.html#gallery-1>

URL9: <https://www.naintrading.co.nz/oriental-carpets/baluch-161x95-p-194800.html>

URL10: http://www.turkotek.com/misc_00096/birdbags.htm

URL11: <https://www.naintrading.co.uk/oriental-carpets/baluch-184x89-p-194724.html#gallery-1>

URL12: <https://www.naintrading.co.nz/oriental-carpets/baluch-195x101-p-139477.html>

URL13: <https://www.naintrading.us/oriental-carpets/baluch-148x88-p-139320.html#gallery-1>

URL14: <https://www.naintrading.co.uk/oriental-carpets/baluch-128x87-p-139461.html#gallery-1>

URL15: <https://www.naintrading.us/oriental-carpets/baluch-211x152-p-108897.html#gallery-1>

URL16: <https://www.naintrading.co.uk/oriental-carpets/baluch-146x88-p-33098.html>

رویگرد بوم‌شناسی فرهنگی، با تأکید بر گلیم‌های عشایر بختیاری، قشقایی، شاسون و کرمانج، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، (۲)، ۱۹۲-۱۹۹. <https://doi.org/10.22059/ijar.2020.78447>

افروغ، محمد (۱۴۰۰)، بررسی و تحلیل قالیچه‌های طرح محرابی بلوچ از منظر انسان‌شناسی هنر، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، (۲۱)، ۲۹۹-۳۲۵. Doi: 10.22059/IJAR.2022.334007.459715

افروغ، محمد، (۱۴۰۱)، تبیین عاملیت و ساختار در گبه‌ها و قالیچه‌های شیری قشقایی براساس نظریه ساخت‌یابی گیدنز، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، (۱)، ۱۶۹-۱۳۷. Doi: 10.22059/JSAL.2022.342252.666145

حاج‌علی محمدی، هما، (۱۳۸۵)، فناوری تهیه زغال در ایران، پژوهشی در حوزه دانش بومی، علوم اجتماعی، (۳۴)، ۹۷-۱۴۷.

حسین آبادی، زهرا، مهدی، فلاح‌مهنه، (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی نقوش فرش سیستان با نقوش سفالینه‌های شهر سوخته، نشر ماهیه، (۷)، ۶۴-۶۰. <https://www.sid.ir/paper/183999/fa>

راسخی، ساره، قربانی، مهدی، (۱۳۹۵)، بوم‌شناسی فرهنگی در تحلیل دانش بومی و فرهنگ گله‌داری: مطالعه موردی، شمال استان فارس، روستای قصر یعقوب، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، (۴)، ۳۸-۱۷.

رضوانی، محمدرضا، احمدی، علی، (۱۳۸۸)، مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی، پژوهش فرهنگی، (۶)، ۶۸-۴۵.

روح الامینی، محمود، (۱۳۸۸)، زمینه فرهنگ‌شناسی: تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی، تهران: عطار.

سامانیان، صمد، کفیلی، نگار، (۱۳۹۲)، بازشناسی سفال بومی ایران با رویکرد بوم‌شناسی فرهنگی، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، (۲۳)، ۱۲۲-۱۰۳. Doi: 10.22059/IJAR.2014.50847

شهرنازدار، محسن، (۱۴۰۰)، مطالعات انسان‌شناختی بلوچستان، تهران: آبی پارسی.

شیرانی، مینا، ایزدی جبران، اصغر، اسپونز، بریان، کوهستانی، مریم، (۱۳۹۷)، بررسی انسان‌شناختی نقوش سفال کلپورگان سراوان، هنرهای زیبا (تجسمی)، (۴)، ۸۰-۷۱. Doi: 10.22059/JFA-VA.2018.249825.665854

شیرخانی، حسین، میربلوچ‌زائی، اسحاق، ریگی، بلال، (۱۴۰۰)، تحلیل ساختار اجتماعی آیین‌های بلوچ در مثل‌های بلوچی سرحدی بر پایه رویکرد مردم‌مدارانه بوراوی، فرهنگ و ادبیات عامه، (۴۲)، ۱۸۵-۱۴۷. <https://sid.ir/paper/955525/fa>

صوراسرافیل، شیرین، (۱۳۸۳)، بر کویر سبز جنوب: فرش خراسان، تهران: احیاء کتاب.

فرهادی، مرتضی، (۱۳۹۳)، مردم‌نگاری دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی: نان شب مردم‌نگاران ایران، دانش‌های بومی، (۲)، ۴۹-۱. <https://doi.org/10.22054/qjik.2016.1563>

فرید، یدالله، (۱۳۷۹)، شناخت‌شناسی و مبانی جغرافیای انسانی، اهر: دانشگاه آزاد.

کشاورز، گلنار، جوادی، شهره، (۱۳۹۵)، نسبت نشان فرهنگی و سوزن دوزی بلوچ، هنر و تمدن شرق (۱۳)، ۲۲-۱۳.